رسوایی یکی از به اصطلاح شاهدین عینی هولوکاست

" اندرو فری " (Andrew Fray) در مقاله‌ای منتشر شده در نشریه " بارنزریویو " (Barnes Review) به تشریح ماجرای رسوایی یکی از به اصطلاح شاهدین عینی هولوکاست پرداخته است. وی مقاله‌اش را با انتقاد از استانداردهای دوگانه رسانه‌ها در مواجهه با حامیان هولوکاست و محققین تاریخ حقیقی آغاز می‌کند: جریان شکست " دیوید ایروینگ " (David Irving)، تاریخ‌نگار، از دبورا لیپستاد (Deborah Lipstadt)، عضو برجسته صنعت هولوکاست در دادگاهی در لندن، توسط رسانه‌ها در بوق و کرنا شد. اما وقتی در 1991 در یکی دیگر از " دادگاه‌های هولوکاستی " مل مرملشتاین (Mel Mermelstein) بازمانده خود خوانده هولوکاست، محکوم شد همین رسانه‌ها کاملا ساکت ماندند. مرملشتاین با حمایت‌های " لابی لیپستاد " یک مبارزه حقوقی ده ساله انجام داده بود تا محققین مکتب تاریخ حقیقی را ساکت کند اما به سختی شکست خورد.

اندرو فری مقاله خود را با تشریح اولین پرونده قضایی مرملشتاین که به پیروزی وی نیز انجامید ادامه می‌دهد: مرملشتان ابتدا در سال 1981 شکایتی علیه "مؤسسه بازیبینی تاریخی " کالیفرنیا تنظیم کرد. وی ادعا نمود که مؤسسه مذکور بر اساس قرار داد باید مبلغ 50000 دلار پاداش در ازای تهیه مدارکی که نشان می‌دهند یهودی‌ها در آشویتس با گاز خفه شده‌اند به وی بدهد اما این کار را نکرده است. مرملشتاین نتوانسته بود هیچ مدرک علمی ارائه کند با این حال درخواست دریافت پاداش را داشت. وقتی که "مؤسسه بازبینی تاریخی " از پرداخت پاداش امتناع کرد وی تصمیم به شکایت گرفت.

فری در ادامه تشریح ماجرای اولین پرونده مرملشتاین می‌نویسد: مرملشتاین مؤسسه لیبریتی لابی (Liberty Lobby)، ناشر کتاب "زیر نور "، را نیز به عنوان مشتکی عنه دیگر معرفی نمود در حالیکه این مرکز انتشارات هیچ ارتباطی با پرونده نداشت. تنها رابطه موجود این بود که "ویلیس کارتو " (Willis Carto) بنیانگذار " مؤسسه بازبینی تاریخی " مؤسس انتشارات "لیبرتی‌لابی " نیز بود و البته هدف نیروهای حامی مرملشتاین نیز شخص کارتو بود.

در پایان انتشارات "لیبرتی‌لابی " و " مؤسسه بازبینی تاریخی " تصمیم گرفتند با پرداخت پول به مرملشتاین در بیرون از دادگاه موضوع را فیصله دهند زیرا ممکن بود در صورت برنده شدن مرملشتاین مجبور شوند هزینه‌های بیشتری را بپردازند. رسانه‌ها اعلام کردند که این "یک پیروزی بزرگ بر مکتب تاریخ حقیقی است. " اما این قضیه چیزی بیش از حل و فصل یک منازعه قراردادنامه‌ای نبود.

اندرو فری در ادامه مقاله به بازگویی دومین ماجرای قضایی می‌پردازد که توسط دار و دسته مرملشتاین به راه افتاد: حامیان مرملشتاین به فعالیت‌های خود ادامه دادند. در عرض یک سال مرملشتاین بار دیگر به صحنه بازگشت و این بار علیه دو مؤسسه اقامه دعوی کرد. وی آنها را متهم به افتراء، تحمیل عمدی فشارهای عاطفی و "توطئه‌چینی " نمود. ماه‌ها قبل از اینکه این دادگاه دوم در سپتامبر 1991 برگزار شود بار دیگر رسانه‌های بزرگ به یاری مرملشتاین شتافتند.

اندرو فری جنگ رسانه‌ای به راه افتاده را چنین توصیف می‌کند: چند ماه مانده به برگزاری دادگاه فیلمی با عنوان "هیچ‌گاه فراموش نکن " بر روی پرده سینماها رفت. در این فیلم آنچه را که در حقیقت برنده شدن در یک منازعه قراردادنامه‌ای بود با عنوان "پیروزی بر مکتب تاریخ حقیقی " ترسیم کردند. فیلم مذکور بخشی از فعالیت‌های رسانه‌ای برای حمایت از مرملشتاین بود. در این فیلم، لئونارد نیموی (Leonard Nimoy)، مرملشتاین را به تصویر کشید.

در این فیلم بازنمایی‌های نادرست زیادی وجود داشتند. فاحش‌ترین تحریف تاریخی در قسمت پایانی فیلم رخ داده بود. در این صحنه مرملشتاین را در جایگاه شهود نشان می‌داد که قول خود به پدرش را به یاد می‌آورد این قول که "هرگز فراموش نخواهد کرد. " سپس قاضی نشان داده می‌شد که می‌گفت: "یهودی‌ها در اردوگاه آشویتس لهستان در سال 1944 در اتاق‌های گاز کشته می‌شدند. "

فری در ادامه گزارش حاضر می‌نویسد: در حقیقت این صحنه هیچ‌گاه رخ نداد. مرملشتاین هیچگاه در جایگاه شهود قرار نگرفت و هیچ شهادتی نیز نداد. اما نیموی ترجیح داد به بیبندگان نگوید که تمام این داستان در مورد نقض مفاد قرارداد توسط "مؤسسه بازبینی تاریخی " است. این پرونده هیچ ارتباطی با ادعای کشته شدن یهودی‌ها در اتاق‌های گاز آشویتس نداشت.

این صحنه‌ها بر هیچ واقعیتی استوار نبودند. اگرچه نیموی به بینندگان اطمینان می‌داد که "تمام پروسه‌های قانونی نشان داده شده در فیلم بر اساس اسناد و مدارک مرتبط با روند دادگاه بازنمایی شده‌اند، اما این گفته‌ها به هیچ وجه درست نبودند. "

در ادامه مقاله ماجرای دومین پرونده قضایی مرملشتاین نقل می‌شود: زمانی که پرونده در دادگاه لوس‌آنجلس مطرح گردید، "مارک لین " (Mark Lane)، وکیل مدافع معروف حقوق مدنی، وکالت "لیبرتی‌لابی " و "مؤسسه بازبینی تاریخی " را بر عهده گرفت. وکالت مرملشتاین نیز بر عهده "لارنس هلر " (Lawrence Heller) بود که ید طولایی در همکاری با گروه‌های حامی تبلیغات هولوکاستی دارد.

اگر چه "استفان لاچس " (Stephen Lachs)، قاضی دادگاه، یک یهودی بود، با این حال بسیاری از ادعاهای مطرح شده توسط مرملشتاین را وارد ندانست. پس از آن وکیل مرملشتاین درخواست ارجاع پرونده به دادگاه تجدیدنظر را داد. اگرچه در

19 سپتامبر 1991، مرملشتاین، وکیل وی و صنعت هولوکاست شکست مفتضحانه‌ای پذیرا شدند اما مطبوعات این پرونده را کاملا نادیده گرفتند. در حالیکه اگر مرملشتاین پیروز می‌شد یقینا توجهات بین‌المللی بدین موضوع جلب می‌گردید.

وقتی که بعدها دبورا لیپستاد به نوشتن درباره موضوع پرداخت تمام سعی خود را کرد تا واقعیت‌ها را با برنامه‌های سیاسی مورد نظر خودش مطابق سازد.

زمانی که گروه تحت رهبری "مارک وبر " (Mark Weber) و "تام مارسلوس " (Tom Marcellus) کنترل "مؤسسه بازبینی تاریخی " را به دست گرفتند سعی نمودند که از انتشار و توزیع کتاب "بهترین شاهد " جلوگیری کنند. این کتاب روایتی مستند از ماجراها و پرونده‌های مرملشتاین به قلم پل رازینیر است. با این حال کتاب مذکور از حملات آنها جان سالم به در برد و هم‌اکنون نیز از طریق اینترنت قابل دسترسی است.

منبع : خبرگزاری فارس

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.